

## میراث سیاسی مسلمانان (۳)

کتاب‌شناسی میراث سیاسی در چهار سده نخست هجری

دکتر نصر محمد عارف\*

ترجمه: مهرا ن اسماعیلی\*\*

فی مصادر التراث السياسي الاسلامی اثر نصر محمد عارف یکی از مطالعات ارزشمندی است که در حوزه میراث سیاسی اسلام تالیف شده است. ایشان در بخش اول کتاب، طی سه فصل به نقد روش شناختی مطالعات سیاسی معاصر و در بخش دوم آن به کتاب‌شناسی میراث سیاسی در اسلام پرداخته است. در بخش اول کتاب‌شناسی که اکنون پیش روی شماست، میراث سیاسی در چهار سده نخست هجری بررسی شده و طی آن ۷۹ اثر همراه با پنجاه مؤلف شناسایی شده‌اند.

این اثر در ۱۹۹۴ م از سوی «المعهد العالمی للفکر الاسلامی» منتشر شده و جایزه کتاب سال مصر را کسب کرده است.

### پیش درآمد

نحوه تعامل مطالعات معاصر با میراث سیاسی، انگیزه کافی را برای دسته‌بندی منابع میراث ایجاد کرده است. براساس شاخصه‌هایی، چون تخصص منبع در علم سیاست و توان ارتباط منبع در پیوند میان نظریه و واقعیت و نیز برخورد با پدیده‌های سیاسی به عنوان موضوع اصلی کتاب، میراث سیاسی به دو دسته از منابع تقسیم می‌شود: دسته‌ای که به صورت مستقیم به این پدیده پرداخته و با رویکردی اندیشه‌ای، و نه فقهی، به منابع نزدیک شده است و دسته دیگر که به صورت ضمنی به

\* محقق مصری و دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه قاهره.

\*\* دانش آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر.

پدیده سیاست پرداخته است. مطالعه پیشین نشان داد که بررسی‌های محققان معاصر در اندیشه سیاسی اسلام غالباً براساس منابع دسته دوم صورت گرفته است و همین امر انگیزه‌ای برای طرح چنین مباحثی گردید.

### بحث اول از فصل دوم: منابع متضمن مباحث سیاسی

منابع مورد نظر اصالتاً به پدیده سیاست نپرداخته‌اند، بلکه در حاشیه پدیده‌های فقهی، تاریخی، فلسفی، کلامی، لغوی یا... به آن اشاره کرده‌اند؛ از این رو غیر روشمند با پدیده سیاست برخورد کرده‌اند. تعامل، نحوه فهم زوایای سیاسی، چگونگی قرائت و تفسیر متون مورد نظر، به روش‌شناسی خاص و مباحث مستقلی از سوی متخصصان نیاز دارد. چنین منابعی خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

نخست، تفاسیر قرآن و منابع روایی: قرآن و روایت از منابع معرفتی به شمار می‌آیند که برای برخی از علوم متد، پیش فرض و هدف تعیین می‌کنند و برای برخی دیگر ویژگی‌ها و شاخصه‌های کلی. اما در قبال علوم‌ی که در حوزه تخصص قرآن و حدیث نیستند، این دو منبع از مآخذ درجه دوم و غیر مستقیم به شمار می‌آیند یا صرفاً به فهم متن و تطوّر فهم آن در ارتباط با واقعیت کمک می‌کنند؛ از این رو تشخیص و تعیین احادیث و آیات مرتبط با پدیده سیاست، قبل از هر چیز نیاز به بررسی تاریخیچه تعامل عقل مسلمانان با چنین متونی را دارد. برای دسترسی به تطور تاریخی تعامل عقل مسلمانان با متون قرآن و حدیث، نمی‌توان به فهم یا تفسیر خاصی مقید شد و گمان برد که چنین تفاسیر و شروحاتی نیز از تقدس و احترام برخوردارند، بلکه با دیده‌ای که حاکی از بشری بودن تلاش برای فهم متن است بدان نزدیک می‌شویم.

دوم، کتاب‌های فقهی گسترده یا موجز: به ویژه برخی از منابع که در آن متونی نقل شده است، همچون ردالمختار علی الدر المختار از ابن عابدین و احیاء علوم الدین از غزالی به خاطر بخش‌های امامت، بیع، خروج، امر به معروف و نهی از منکر و...

سوم، کتاب‌های اصول فقه: به ویژه بخش‌های مختلف آن همچون استحسان، مصالح مرسله، سدّ ذرایع، بخش مقاصد و مراتب...

چهارم، بخش‌های امامت در منابع کلامی: این موضوع یکی از مسائل مورد بحث در این علم است که بر سر آن نزاع‌های فراوانی صورت گرفته و فرق و مذاهب متعددی در اثر آن منشعب شده‌اند. شاید یکی از شناخته شده‌ترین منابع در این زمینه کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین از ابوالحسن اشعری باشد.

پنجم، خطبه‌های خلفای راشدین و عهدنامه‌هایی که به والیان و امرا داده‌اند: نامه‌های علما به خلفا نیز در

زمره همین دسته جای می‌گیرند، همچون نامه شافعی به هارون الرشید یا نامه‌های سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و دیگران. قلقشندی در دائرةالمعارف خود صبح الاعشی فی صناعة الاثشاء بسیاری از عهدنامه‌های خلفا از صدر اسلام تا دوره خودش را گرد آورده است. نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر نمونه برجسته چنین متونی است.<sup>۱</sup> در عهدنامه امام علی به مالک اشتر شخصیت حاکم و ویژگی‌هایش، نحوه انتخاب کارکنان و کاتبان، و روابط آنها با حاکم از سویی و با رعیت از سوی دیگر تعریف شده و به تفاوت میان همراهان نیک یا بد و تأثیر آنها در سیاست‌های حاکم اشاره شده است. امام علی رواج عدالت و فاصله نگرفتن از مردم را از واجبات حاکم دانسته، چرا که این امر اعتماد به مردم را از حاکم سلب نمی‌کند. او از حاکم خواسته که تجارت و صنعت را رونق بخشد، احتکار را برچیند و بیت‌المال و خزانه دولت را درآمد رعایا بداند و افزایش درآمد رعیت را افزایش قدرت خزانه دولتی تلقی کند. امام علی تأکید کرده که تأمین امنیت یکی از علل اساسی آبادانی و ثبات قدرت است. او ضرورت استقلال سیستم قضایی و طبیعی بودن احکام متفاوت قضات را مورد توجه قرار داده و در پایان به اقشار جامعه و نحوه برخورد با هر یک پرداخته است.

ششم، کتاب‌های دائرةالمعارف که به اندیشه‌ها و موضوعات متعدد پرداخته‌اند: همچون صبح الاعشی از قلقشندی و تألیفات ابوحنیف توحیدی و الآداب الشرعیه از ابن مفلح. در بخش‌هایی از این کتاب‌ها به پدیده سیاست اشاره شده است؛ برای مثال ابن مفلح فصل‌هایی از کتاب خود را به شورا، بیعت، عدالت، امامت، امر به معروف و نهی از منکر اختصاص داده است. ابن عقیل نیز تأملات خود در روابط بین شریعت و سیاست را در کتابش الفنون درج کرده است.

هفتم، منابع تاریخی: این منابع بر اساس نحوه پرداخت به مسأله سیاست به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. تواریخ عمومی که به ارائه تاریخ اسلام در طی سده‌های متوالی می‌پردازند. چنین منابعی همچون تاریخ طبری، البدایه و النهایه ابن کثیر و الکامل ابن اثیر برای ثبت و ردیابی تطوّر نهادها و مؤسسات حکومتی و تحولات و روابط آن مفید خواهند بود.

۲. تاریخ سیاسی دولت‌ها، که تنها بر فعل سیاسی تکیه دارند، همچون الأمامه و السیاسه از ابن قتیبه، تاریخ الخلفا و الملوک از سیوطی، خلاصة الذهب المسبوك مختصر من سیرالملوک از عبدالرحمن اربلی، تاریخ الدول الاسلامیه بالجداول المرضیه از زینی دحلان، رقم الحلل فی نظم الدول از ابن خطیب و المن بالامامه علی المستضعفین بأن جعلهم الله أئمة و جعلهم الوارثین از ابن صاحب الصلاة.

۳. تاریخ نظام سیاسی و حاکمان: منابع مذکور به سلسله، دوره یا حاکم مشخصی می‌پردازند،

مانند التحفه الملوكيه في الدولة التركيّه، الروضتين في اخبار الدولتين\*، تاريخ عمر بن خطاب از ابن جوزی و سيرة ملك الظاهر يا سيرة صلاح الدين از ابن شدّاد.

۴. تاريخ نهادها به ویژه نهاد وزارت: در این جا ضروری است اشاره کنیم که در مورد این نهاد به عنوان مهم ترین نهاد سیاسی و تاریخی مسلمانان دو دسته منابع وجود دارند: دسته اول، منابعی که نظریه پردازی کرده اند و از طبیعت، انواع، کارکرد و روابط این نهاد با حاکم و رعیت سخن گفته اند. این دسته از منابع جزو منابع تخصصی میراث سیاسی جای می گیرند. دسته ای دیگر از منابع به تاریخ تطوّر این نهاد یا به تاریخ وزرا پرداخته اند و از آن جا که بیش از آن که سیاسی باشند تاریخی اند در ضمن منابع غیر تخصصی قرار خواهند گرفت. مهم ترین کتاب هایی که درباره نهاد وزارت نوشته شده عبارتند از: اخبار الکتاب از داوود بن جراح (متوفای سده سوم)، الوزراء از محمد بن داوود جراح (متوفای ۲۹۶ هـ)، الوزراء از نبطويه ابراهيم بن محمد (متوفای ۳۲۳ هـ)، الوزراء و الکتاب از جهشیاری (متوفای ۳۳۱ هـ)، الوزراء از محمد بن یحیی الصولی (متوفای ۳۳۵ هـ)، مباسطة الوزراء از ابن خالد رامهرمزی (متوفای ۳۶۰ هـ)، اخبار الوزراء از صاحب بن عباد (متوفای ۳۸۵ هـ)، تحفة الامراء من تاريخ الوزراء از هلال بن حسن صابی (متوفای ۴۴۸ هـ)، الوزراء از ابن ماکولا (متوفای ۴۸۵ هـ)، الاشارة الى من نال الوزارة از ابن صیرفی، اخبار الوزراء از محمد بن عبدالملک همدانی (متوفای ۵۲۱ هـ)، النکت العصرية فی اخبار الوزراء المصریّه از عماره یمنی (متوفای ۵۶۹ هـ)، اخبار الوزراء از ابراهيم بن موسی واسطی، تحفة الوزراء و بهجة النعماء از محمد بن ابراهيم آدرنوی (متوفای ۱۱۳۶ هـ)، الوزراء از خلیل بن حسن، الوزراء محمد اقلیدی (متوفای ۷۰۵ هـ)، الوزراء از علی بن فتح معروف به المطوّق، الوزراء از ابی عبدالله محمد بن احمد فارسی، تحفة الوزراء ابی القاسم بلخی و غرر الخصائص الواضحة و عرر النقائص الفاضحة از یحیی بن وطواط و منابع فروان دیگر.

هشتم، ادبیات مردمی یا تاریخ نگاری مردم، علما و صالحان: این منابع از آن جا که به جامعه؛ اعم از توده مردم یا علما، می پردازند معرفت ما را به دو طرف روابط سیاسی میان حاکم و محکوم کامل می کنند و مانع اکتفای احتمالی محقق به تواریخ سیاسی می شود، چرا که از تواریخ سیاسی بیشتر بر رأس مردم جامعه متمرکز شده اند تا قاعده آن.

نهم، کتاب های تعریفات و فرهنگ های لغت: این منابع برای فهم معانی و مفاهیم واژه های سیاسی از مهم ترین منابع به شمار می آیند. بدین وسیله بدون آن که مفاهیم جدید را بر آن بار کنیم می توان بیانات سیاسی و میراثی را بی واسطه و از زبان خودش دریافت کرد. استفاده از منابع مورد نظر در تمامی مراحل تعامل با اندیشه، ضرورت دارد تا از به خطا رفتن ذهن و بار کردن مفاهیم نو سیاسی بر

\* تاریخ محمود و صلاح الدین ایوبی.

واژه‌های میراثی پیشگیری شود. از جمله مهم‌ترین منابع در این زمینه عبارتند از: تعریفات العلوم از ملا احمد شراوانی (متوفای ۱۰۳۶ هـ / ۱۶۲۶ م) ۲، کشف اصطلاحات الفنون از تهانوی، ابجد العلوم از حسن صدیق خان، التعریفات از جرجانی، اساس البلاغة از زمخشری، الفروق فی اللغة از ابی هلال عسکری، المفردات از اصفهانی، مفاتیح العلوم از خوارزمی، الفروق و منع الترادف از حکیم ترمذی و منابع فراوان دیگر.

به گمان من، منابع یاد شده به طور غیر مستقیم به پدیده سیاست پرداخته‌اند. این جا تأکید بر این نکته الزامی است که دسته‌بندی منابع به مستقیم و غیرمستقیم به معنای اهمیت یا اولویت دسته اول یا دوم نیست، بلکه بدین گونه، منابعی که صرفاً به پدیده سیاست پرداخته‌اند از دیگر منابع تفکیک شده است.

### بحث دوم از فصل دوم: منابع سیاسی تخصصی

هر تحقیقی در اندیشه سیاسی اسلام یا هر یک از مسائل آن منابع تخصصی موضوع بحث پیش روی شماست. ناچار باید بر منابع تخصصی مبتنی باشد. از آن جا که منابع ارائه شده در این فصل براساس متد ذکر شده در آغاز بحث، گردآوری شده‌اند، نمی‌توان آن را تمامی منابع میراث سیاسی برشمرد. تحقیق پیش روی شما همه منابع را پوشش نداده و از کتابخانه‌های معدودی برای شناسایی نسخ خطی بهره برده است. پیش از ارائه منابع شناسایی شده باید به متد چینی و نحوه بررسی آن اشاره کرد:

۱. ترتیب منابع براساس ترتیب تاریخی و با توجه به زمان فوت مؤلف یا تاریخ نگارش کتاب‌های مجهول المؤلف صورت گرفته است. منابعی که تاریخ نگارش یا زمان فوت مؤلفشان را نداشتند، در پایان بحث جای گرفته‌اند، هر چند طی بررسی کتاب‌های مورد نظر، انتساب آنها به مقطع تاریخی خاصی مشخص گردد.

۲. در آغاز نام، مختصری از شرح حال، گرایش‌های علمی و مهارت‌های مؤلف و سپس نام کتاب‌های او به صورت مستقل ذکر می‌گردد.

۳. نام مؤلفان همراه با کلیه القاب و شناسه‌ها ضبط شده تا امکان شناسایی او از جانب تمامی محققان فراهم آید، چون شرح حال نگاران از روش‌های گوناگونی پیروی کرده‌اند. برخی براساس نام و تاریخ وفات و برخی براساس نام و نام پدر و تاریخ فوت و برخی براساس لقب و تاریخ وفات، مؤلفان را دسته‌بندی و چینی کرده‌اند؛ از این رو نام و القاب مؤلف به صورت کامل همراه با تاریخ وفات آنها درج گردیده است.

۴. مشخصات منابع اعم از نوبت چاپ و محل آن، برای کتاب‌های چاپ شده، و شماره و محل

نگهداری برای نسخ خطی همراه با هر منبع ارائه شده است. برای منابعی که محل نگهداری آن در این بررسی روشن نشده، به ذکر مؤلف نگارانی چون ابن ندیم، حاجی خلیفه و بغدادی از این تألیفات بسنده کرده‌ایم.

۵. از منابع شناسایی شده ۱۰۵ منبع معادل ۳۴/۵ درصد به چاپ رسیده‌اند و ۱۲۷ منبع معادل ۴۱/۵ درصد نسخ خطی هستند که محل نگهداری آنها مشخص است. ۷۵ کتاب باقی‌مانده از ۳۰۷ منبع، که معادل ۲۴ درصد منابع مورد نظر است، علی‌رغم آن‌که از بین نرفته‌اند اما چون امکان دسترسی به محل نگهداری تمامی نسخ جهان برایم فراهم نبود و تنها به معدودی از کتابخانه‌ها مراجعه کردم، نتوانستم، محل نگهداری آن را مشخص کنم.

۶. هنگام شناسایی مؤلفان، انتساب آنان به هر یک از گرایش‌های علمی یا مناصب عالیه در تاریخ مسلمانان مد نظر قرار گرفته است، مانند نحوی\*، اصولی\*\*، شرکت‌کننده در فقه\*\*\*؛ کاتب دربار، وزیر، صاحب سر. همچنین به گرایش‌های فقهی و فرقه‌ای مانند شافعی، حنبلی، زیدی، امامی، معتزلی، اشعری، ظاهری و... نیز اشاره شده است.

۷. ملاحظه می‌شود که منابع جمع‌آوری شده تمامی مقاطع تاریخی، سرزمین‌ها و مذاهب اسلامی را پوشش می‌دهند و از این رو از تمامی بخش‌های تاریخ اسلام، سرزمین‌های مختلف اسلامی و فرق و مذاهب آن نمایندگی می‌کنند.

### منابع میراث سیاسی اسلام

عبدالحمید کاتب (متوفای ۱۳۲ هـ / ۷۵۰ م) [مؤلف شماره ۱]

عبدالحمید بن یحیی بن سعد عامری معروف به کاتب از موالی علاء عامری و منسوب به بنی عامر. از اهالی قیساریه فلسطین و ساکن شام و از خواص مروان بن محمد آخرین حاکم اموی در شام و کشته شده همراه با امویان به دست عباسیان در ۱۳۲ هـ. ۳

۱. رسالة فی نصیحة ولی العهد. ۴

۲. نصیحة الكتاب\*\*\* و ما یلزم ان یكونوا علیه من الاخلاق و الاداب. ۵

عبدالله بن مقفع ( ۱۰۹ - ۱۴۵ هـ / ۷۲۸ - ۷۶۲ م) [مؤلف شماره ۲]

کاتب و شاعر و مترجم متون از فارسی به عربی، فارس و بزرگ شده در بصره و متولی کتابت در دیوان منصور عباسی. به زندیق متهم شد، آن‌گاه امیر بصره شعبان بن معاویه مَهَلَبی او را به قتل

\* منتسب به نحو. \*\* منتسب به اصول فقه یا اصول دین.

\*\*\* دارای تالشی در فقه.

\*\*\*\* کاتب به مسؤول دیوان انشاء، امور خارجه یا دیوان اموال گفته می‌شد.

رسانید. ۶

۳. الذرة اليتيمة و الجوهره الثمينه: ۷

او در این کتاب بر نقش دانشمندان به ویژه علمای دین و نیز بر جوانمردان در نظام سیاسی تأکید خاصی کرده و کسب مشروعیت از این دسته در سطح کل قلمرو، مناطق، بخش‌ها و روستاها را برای حاکم واجب شمرده است. ابن مقفع سپس پادشاهان را به سه دسته پادشاهان دین، پادشاهان اراده و پادشاهان هوس تقسیم کرده است. بعدها ابن خلدون این تقسیم را از او گرفت و ارتقا بخشید. ابن مقفع در ادامه نقش والیان را جویا شدن از احوال رعیت و عدم برخورد با آنها براساس گمان می‌داند و تأمل و دوری از شتابزدگی را پیش از صدور احکام و فرمان‌ها ضروری می‌داند.

۴. رسالة الصحابة: ۸

او این رساله را به خلیفه منصور عباسی اهدا کرد. احتمال دارد - براساس نظر بروکلن - این کتاب یادداشت‌های خصوصی مؤلف باشد که به دنبال انتشار آن نبوده است. ابن مقفع به دستور عیسی بن علی و برادرش سلیمان والی بصره آن را تألیف کرد و به نحوه کنترل و عدم دخالت نیروی نظامی در امور مدنی و ضرورت اکتفای آنان به فعالیت‌های نظامی پرداخت. از نظر او نمی‌توان در جمع‌آوری مالیات یا در برخورد با مردمی که باید براساس عدالت با آنها رفتار شود و حقوقشان مراعات گردد، از نیروی نظامی بهره گرفت. او همچنین به نحوه برخورد حاکم، والیان و کارگزاران با اطرافیان خود و شرایط و قواعدی که آنان در این زمینه باید رعایت کنند پرداخته است.

محمد الاحول (شیطان الطاق) (زنده در ۱۴۸ هـ / ۷۶۵ م) [مؤلف شماره ۳]

محمد بن علی بن نعمان بن ابی طریفه بجلی أحول\*، کوفی، صیرفی، ملقب به شیطان الطاق،\*\* متکلم و از اصحاب امام جعفر صادق ع،

۵. الامامة: ۱۰

۶. الرد علی المعتزلة فی امامة المفضول: ۱۱

ابویوسف (۱۱۳ - ۱۸۲ هـ / ۷۳۱ - ۷۹۸ م) [مؤلف شماره ۴]

ابویوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب انصاری، فقیه، اصولی، مجتهد، محدث، حافظ، عالم به تفسیر و مغازی و ایام العرب. اولین مؤلف در زمینه روابط خارجی یعنی محمدحسن شیبانی صاحب السیر الکبیر و الصغیر و نیز ابن خنبل و ابوحنیفه نعمان از او روایت کرده‌اند. متولی مقام قضاوت در دوره المهدی، الهادی و هارون الرشید بود و به عنوان قاضی القضاة شناخته شد و در بغداد از دنیا

\* به معنای لوچ - مترجم.

\*\* لقبی است که غیر شیعیان به وی داده‌اند. در میان شیعه به «مومن الطاق» مشهور است. - فصلنامه.

رفت. ۱۲.

۷. کتاب الخراج: ۱۳

این کتاب بنا به خواسته هارون الرشید نوشته شده است. ابو یوسف در این کتاب ابتدا نصایح کلی، نحوه برخورد با خواص و توده مردم سخن می‌گوید. سپس در چند بخش ضمن اشاره به خراج، فیء، احیاء موات، غنائم و... به درآمدها و هزینه‌های دولت می‌پردازد و علاوه بر آن، حقوق و وظایف اهل ذمه را بررسی می‌کند و بر ضرورت توجه به نظام قانونی و برخورد با قانون‌گریزان چون جانیان و دزدان تأکید می‌ورزد.

هشام بن حکم (متوفای ۱۹۹ هـ / ۸۱۵ م) [مؤلف شماره ۵]

هشام بن حکم شیبانی از موالی بنی شیبان، کوفی، شیعی، متکلم، مناظره‌کننده، متولد کوفه، بزرگ شده در واسط و ساکن بغداد، بریده از همه و همنشین با یحیی بن خالد برمکی و متوفای در کوفه. ۱۴.

۸. اختلاف الناس فی الامامة. ۱۵.

۹. التدبیر فی الامامة. ۱۶.

یحیی بن آدم القرشی (متوفای ۲۰۳ هـ / ۸۱۸ م) [مؤلف شماره ۶]

قاری، محدث، حافظ، فقیه، متوفای در فم الصلح عراق. ۱۷.

۱۰. الخراج. ۱۸.

او در این اثر به بررسی درآمدها و هزینه‌های اقتصادی دولت پرداخته و در فصل اول به غنیمت و فیء، اراضی خراج و عُشر، در فصل دوم به تقسیم فیء، وضعیت اهل ذمه و احیای موات، در فصل سوم به اهل ذمه و اهمیت مدارا و خوش برخوردی با آنان، احتکار و حقوق آبی و نحوه توزیع برابر منابعی آبی و در فصل پنجم به زکات پرداخته است.

طاهر خزاعی (متوفای ۲۰۷ هـ / ۸۲۲) [مؤلف شماره ۷]

طاهر بن حسین بن مصعب خزاعی، متولی نهاد وزارت. ۱۹.

۱۱. الوصیه فی الاداب الدینیة و السیاسة الشرعیة. ۲۰.

سهل بن هارون (متوفای ۲۱۵ هـ / ۸۳۰ م) [مؤلف شماره ۸]

فارس، متولد دست مسیان، پیوسته در خدمت مأمون بود تا این‌که متولی خزانه الحکمة\* شد.

ادیب، کاتب، شاعر و حکیم. ۲۱.

۱۲. تدبیر الملک و السیاسة. ۲۲.



عبدالملک اصمعی (۱۲۲ - ۲۱۶ هـ / ۷۴۰ - ۸۲۱ م) [مؤلف شماره ۹]

عبدالملک بن قریب بن عبدالملک بن علی بن اصمع باهلی مشهور به أصمعی، ادیب، لغوی، اخباری، محدث، فقیه، اصولی و از اهالی بصره. ۲۳  
 ۱۳. تقویم السیاسة الملویة و الاخلاق الاختیاریه. ۲۴  
 ۱۴. کتاب الخراج ۲۵

قاسم عجلی (متوفای ۲۲۶ هـ / ۸۴۱ م) [مؤلف شماره ۱۰]

قاسم بن عیسی بن ادريس عجلی یکی از فرماندهان مأمون و معتصم ۲۶ و مشهور به ابی دلف مؤسس دولت کُرد به مرکزیت شهر کُرج در ۲۱۰ - ۲۸۵ هـ / ۸۲۵ - ۸۹۸ م ۲۷  
 ۱۵. سیاسة الملوک. ۲۸

شهاب الدین ابن ابی ربیع (متوفای ۲۲۷ هـ / ۸۴۲ م) [مؤلف شماره ۱۱]

از سیاست‌مداران و حکیمان. ۲۹

۱۶. سلوک المالك فی تدبیر الممالک: ۳۰

کتاب مذکور در حالی به خلیفه معتصم عباسی اهدا شده که مؤلف آن را به روش جدول نگاری و شجره نگاری در چهار فصل تنظیم کرده است. در فصل اول، از فلسفه وجود، ضرورت وجود خالق برای جهان هستی و قوانین الهی سخن گفته که توجیه‌گر ضرورت رسالت انبیاست. وجود و جایگاه انسان در این هستی نیز مستلزم حاکمانی است که به اداره امور مردم بپردازند و منافع آنان را تأمین کنند؛ فصل دوم، حاوی مضامین اخلاقی و اقسام آن است. اخلاق، اندیشه، و تشخیص فضایل سیاسی را به عنوان وجه تفاوت انسان و حیوان مطرح می‌کند و انسان‌ها و نوع بشر را به سه دسته میانه‌رو، اخلاق‌گرا و اخلاق‌گریز دسته‌بندی کرده و فضایل کامل انسانی را به حکمت، عفت، شجاعت و عدالت محدود می‌کند. او در فصل سوم، به اصول عقلی که انسان ملزم به رعایت و عمل بدانهاست، ماهیات انسان، نقش انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین و اموری که این نقش به عهده انسان می‌نهد پرداخته است و در فصل چهارم، اقسام و انواع سیاست‌ها را بیان کرده و علل عمران و نحوه بروز تمدن‌ها، خصایص حکومت صالح و مبانی پادشاهی یعنی پادشاه، رعیت، عدالت و تدبیر را مورد بررسی قرار داده است.

حسن کرابیسی (متوفای ۲۴۵ هـ / ۸۵۹ م) [مؤلف شماره ۱۲]

حسین بن علی بن یزید کرابیسی، بغدادی، شافعی، محدث، فقیه، اصولی، متکلم، رجالی، ناقل حدیث و از یاران امام شافعی و برگزندگان علم او. وی از یاران برجسته شافعی شناخته شده است. ۳۱  
 ۱۷. الامامة. ۳۲

علی بن مهزیار اهوازی (متوفای ۲۵۰ هـ / ۸۶۵ م) [مؤلف شماره ۱۳]

ابوالحسن علی بن مهزیار دروقی، فقیه، شیعه امامی، نصرانی بود و با پدرش مسلمان شد. در اهواز بزرگ شد و از یاران خاص ابوالحسن عسکری بود. فقیه، مفسر و سهیم در برخی از علوم. ۳۳

۱۸. ادب الشریعه و ادب السیاسة. ۳۴

یعقوب کندی (متوفای ۲۵۲ هـ / ۸۶۷م) [مؤلف شماره ۱۴]

یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران بن اسماعیل کندی، فیلسوف، دانشمند در طب، فلسفه، حساب، منطق، هندسه، نجوم و... متولد واسط و رشد یافته در بصره، به بغداد نقل مکان کرد و نزد مأمون خلیفه عباسی منزلت عظیمی پیدا کرد. در دوره متوکل نزد خلیفه از او بدگویی کردند که منجر به ضرب او و مصادره کتاب‌هایش شد. مدتی بعد کتاب‌هایش را به او پس دادند. وی در بغداد از دنیا رفت. ۳۵

۱۹. الرسالة الکبری فی السیاسة. ۳۶

۲۰. رساله فی السیاسة العامة. ۳۷

عمرو جاحظ (۱۵۰ - ۲۵۵ هـ / ۷۶۸ - ۸۶۹م) [مؤلف شماره ۱۵]

عالم ادیب، در تمامی علوم شرکت کرده و معتزلی. فرقه جاحظیه به او منسوب است. ۳۸

۲۱. التاج فی اخلاق الملوک: ۳۹

این کتاب به فتح بن خاقان تقدیم شده است. در آغاز مؤلف هدف تألیف اثر را بیان نحوه برخورد متقابل میان حاکمان و رعیت دانسته است و از این رو محور بحث در کلیه بخش‌های کتاب، بهبود روابط سیاسی - که جوهره علم سیاست در هر زمان و مکانی است - میان حاکم و رعیت و با تأکید بر مبانی اخلاقی و ارزشمدارانه ارائه و فرهنگ سیاسی هر دو طرف قرار گرفته است. به همین دلیل او نحوه تعیین حدود اقشار و بافت‌های تشکیل دهنده جامعه را مورد بررسی قرار داده و به دنبال بیان تنوع ابزارها و وسائل مورد نیاز در برخورد با هر دسته به گونه‌ای که متناسب با جایگاه آن دسته باشد بوده است. از نظر جاحظ، هدف حکومت اصلاح وضعیت رعیت است و بزرگ‌ترین نگرانی و مسأله حکومت را نگرانی رخنه شهوت سلطه به پادشاهان دانسته است.

۲۲. العثمانیه: ۴۰

این کتاب بر محور اندیشه امامت به عنوان مسأله‌ای محوری در اندیشه سیاسی اسلامی در آن دوره تألیف و دیدگاه‌های متعدد در این زمینه طرح شده است. رده‌هایی بر این کتاب نوشته شده که به دو تا از آنها دست یافتیم. نخست، نقض العثمانیه<sup>۴۱</sup> از ابی جعفر محمد بن عبدالله اسکافی (متوفای ۲۴۰ هـ / ۸۵۴م) متکلم معتزلی بغدادی؛<sup>۴۲</sup> دوم، بناء المقالة العلویة فی نقض الرسالة العثمانیه للجاحظ<sup>۴۳</sup> از احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس (متوفای ۶۷۳ هـ / ۱۲۷۴م) از فقها و محدثان شیعه امامیه اثناعشریه و معروف به فقیه اهل البیت. ۴۴ هر دو کتاب دیدگاه‌های جاحظ در این کتاب را به نقد

کشیده‌اند.

۲۳. استحقاق الامامه: ۴۵

این اثر نیز درباره امامت، هر چند از دیدگاهی متفاوت، نگاشته شده است. او این کتاب را با اجتماع بشری، ضرورت وجود قدرت سیاسی برای ساماندهی، تأمین نیازهای جامعه و سرکوب شورشیان آغاز می‌کند. در این چارچوب به مسائلی چون امامت مفضول، نسب، قرابت، وجود امامان متعدد و خطر آن بر وحدت مسلمانان پرداخته و کارکرد امام را ثبات و پایداری و نیز حرکت جامعه تعیین می‌کند، چرا که مردم بدون نظام سیاسی به تباهی کشیده می‌شوند. پس مردم باید جمع شوند و اهداف خود را محقق سازند. همه این مسائل تئوری قرارداد اجتماعی که ده قرن بعد از سخنان جاحظ در اروپا شکل گرفت را به ذهن متبادر می‌سازد.

۲۴. کتاب الحجاب: ۴۶

در آغاز جاحظ بر نصیحت و اهمیت نقش آن برای نظام تأکید کرده و سپس به مسأله حجاب، به عنوان مانعی بشری یا مادی میان حاکم و ارتباط مستقیم او با رعیت، با استفاده از احادیث و سخنان سلف صالح در نهی از فاصله گرفتن حاکم از مردم می‌پردازد. از نظر او، فاصله گرفتن حاکم و دوری او از مردم زمینه مخدوش شدن عدالت و گسترش ظلم را فراهم می‌آورد. پس باید پیوند مستقیمی میان حاکم و رعیت با شرایط و ویژگی‌های خاص وجود داشته باشد تا منافع رعیت از چشم حاکم مخفی نماند. از نظر جاحظ، حجاب گرفتن حاکم از رعیت باید به سازماندهی ورود و خروج دیوان حکومتی محدود گردد.

۲۵. تنبیه الملوک و المکاید: ۴۷

این اثر به‌تمامه برای تأکید بر اهمیت نیرنگ‌های سیاسی در تمامی زمینه‌های داخلی و خارجی و به‌طور کلی همه انواع روابط نوشته شده است. جاحظ بر ارزش‌های متفاوتی در این کتاب اشاره کرده که بر حاکم ضروری است که بدان آراسته شود.

۲۶. اخلاق الملوک: ۴۸

۲۷. السلطان و اخلاق اهله: ۴۹

۲۸. ادب الملوک (بصحبة الملوک نیز گفته شده): ۵۰

۲۹. کتاب القضاة و الولاة: ۵۱

۳۰. مدح التجارة و ذم عمل السلطان: ۵۲

محمد زیات (متوفای ۲۶۲ هـ / ۸۷۶م) [مؤلف شماره ۱۶]

محمد بن حسین بن زید الزیات همذانی، متکلم شیعه، محدث، روایات فراوانی را نقل کرده

است. ۵۳

۳۱. کتاب الامامة. ۵۴

علی طاطری (زنده در ۲۶۳ هـ / ۸۷۷ م) [مؤلف شماره ۱۷]

علی بن حسن محمد طائی، کوفی، معروف به طاطری، فقیه و محدث. ۵۵

۳۲. الامامة. ۵۶

احمد بن سهل أحول کاتب (متوفای ۲۷۰ هـ / ۸۸۳ م) [مؤلف شماره ۱۸]

از کاتبان نخستین و آشنا به حرفه خراج. ۵۷

۳۳. کتاب الخراج. ۵۸

ابوعبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶ هـ / ۸۲۴ - ۸۸۹ م) [مؤلف شماره ۱۹]

از دانشمندان، ادیبان و حافظان، امام در لغت، آگاه به مسائل مشکل قرآن، احادیث غریب و اشعار دقیق. نخستین کسی است که وارد عرصه نقد ادبی شد. کتاب الامامة و السیاسة او تاریخ نهاد خلافت به شمار می‌رود. بسیاری در انتساب این کتاب به او شک کرده‌اند از جمله خاورشناسی به نام غانیفوس و دکتر دوزی. ۵۹

۳۴. کتاب السلطان: ۶۰

او در این کتاب در بحث سیره و سیاست سلطان به نحوه انتخاب کارگزاران، راه و روش برخورد با ملازمان و همدمان، مشورت گرفتن، تصمیم‌گیری و نتایج ناگوار کامجویی و اقدام براساس حدس و گمان پرداخته و آن‌گاه به نهادهای دولتی چون کاتبان، کارگزاران، قضات، نحوه انتخاب، مقررات کاری و نظارت بر آنها اشاره می‌کند. دینوری به بررسی مسأله حجاب و فاصله گرفتن حاکم از مردم هم می‌پردازد و در آن‌جا از نتایج ناگوار ظلم و ضرورت طاعت و نصیحت سخن می‌گوید.

احمد طیفور (۲۰۴ - ۲۸۰ هـ / ۸۱۹ - ۸۹۳ م) [مؤلف شماره ۲۰]

احمد بن طاهر طیفور مروزی، شاعر، راوی و سخن‌گویی بلیغ، متولد و متوفای بغداد. ۶۱

۳۵. الملك الصالح والوزير المعین. ۶۲

۳۶. خبر الملك العادل فی تدبیر المملكة و السیاسة. ۶۳

ابراهیم ثقفی (متوفای ۲۸۳ هـ / ۸۹۶ م) [مؤلف شماره ۲۱]

ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی، کوفی، شافعی، محدث، مورخ، فقیه، در آغاز زیدی

بود و سپس به امامیه اثنا عشریه گرایش یافت. ۶۴

۳۷. کتاب الامامة. ۶۵

۳۸. کتاب الشوری. ۶۶

احمد بن طیب سرخسی (متوفای ۲۸۶ هـ / ۸۹۹ م) [مؤلف شماره ۲۲]

احمد بن مروان طیب سرخسی، دانشمند، حکیم، ادیب، از شاگردان کندی فیلسوف، معلم خلیفه

معتضد عباسی و ندیم و یار مخصوص خلیفه و متولی نهاد حسبه در بغداد. ۶۷

۳۹. کتاب السياسة. ۶۸

۴۰. الحسبة الكبرى. ۶۹

۴۱. الحسبة الصغرى. ۷۰

یحیی بن حسین الهادی الی الحق (۲۴۵ - ۲۹۸ هـ / ۸۵۹ - ۹۱۰ م) [مؤلف شماره ۲۳]

ابوالحسن یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم، الهادی الحق، مؤسس و امام زیدیه یمن. ۷۱

۴۲. مسألة فی الامامة. ۷۲

۴۳. فی تئیت الامامة. ۷۳

عبیدالله خزاعی (متوفای ۳۰۰ هـ / ۹۱۳ م) [مؤلف شماره ۲۴]

عبیدالله بن عبدالله بن طاهر بن حسین بن مصعب بن زریق بن ماهان\* خزاعی بغدادی، شاعر ساده نویس، امیر، متولی شرطه در بغداد در زمانی که محمد بن عبدالله بن طاهر در بغداد امارت داشت. ۷۴

۴۴. رسالة فی السياسة الملوكیه. ۷۵

عبدالله بن شریشر (متوفای ۳۰۳ هـ / ۹۰۶ م) [مؤلف شماره ۲۵]

عبدالله بن محمد انباری ناشی، معروف به ابن شریشر، متکلم، منطقی، عروضی، نحوی، شاعر، از اهالی انبار، مدت طولانی ساکن بغداد بود تا آن که به مصر رفت و در آنجا تا وفات خود باقی ماند. ۷۶

۴۵. مسائل الامامة. ۷۷

حسن اطروش (۲۳۰ - ۳۰۴ هـ / ۸۴۵ - ۹۱۷ م) [مؤلف شماره ۲۶]

حسن بن علی بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، حسینی، هاشمی، اطروش، سومین امام دولت علویان طبرستان، دانشمند، صاحب مباحثی در تفسیر، کلام، فقه، حدیث، ادبیات، اخبار، لغت و شعر. ۷۸

۴۶. الامامة. ۷۹

۴۷. الاحتساب. ۸۰

محمد واسطی (متوفای ۳۰۶ هـ / ۹۱۸ م) [مؤلف شماره ۲۷]

محمد بن زید بن علی بن حسین واسطی، بغدادی، معتزلی از علمای کلام. ۸۱

۴۸. الامامة. ۸۲

\* نوه طاهر بن حسین مؤسس طاهریان خراسان - مترجم.

حسین حلاج (متوفای ۳۰۹هـ / ۹۲۲م) [مؤلف شماره ۲۸]

حسین بن منصور حلاج فارسی، بیضاوی، بغدادی، صوفی، متکلم، در بغداد کشته شد. ۸۳  
۴۹. السیاسة و الخلفاء و الامراء. ۸۴

علی بن ماشطه (زنده در ۳۱۰هـ / ۹۲۲م) [مؤلف شماره ۲۹]

علی بن حسن معروف به ابن ماشطه، کاتب، متبهر در حساب و خراج. ۸۵  
۵۰. کتاب الخراج. ۸۶

احمد بن سلیمان بن بشار کاتب<sup>۸۷</sup> (متوفای ۳۱۲هـ / ۹۲۴م) [مؤلف شماره ۳۰]

۵۱. کتاب الخراج. ۸۸

قدامة بن جعفر (زنده در ۳۲۰هـ / ۹۳۲م) [مؤلف شماره ۳۱]

جعفر بن قدامة بن زیاده معروف به قدامة بن جعفر از کاتبان و دارای کتابی در فن کتابت. ۸۹  
۵۲. الخراج و صناعة الكتابة: ۹۰

کتاب مذکور متشکل از هشت منزل و هر منزل شامل ابواب متعددی است. چهار منزل اول این کتاب از دست رفته و درباره محتوای آن تنها مشخص است که منزل سوم درباره بلاغت و منزل چهارم درباره دیوان انشا که کارکرد وزارت خارجه امروزی را ایفا می کرده بوده است. منزل پنجم که آغاز بخش چاپ شده است به یازده باب تقسیم می شود و طی آن مؤلف ضمن گزارش دقیقی از شکل گیری، وظایف و روابط مؤسسات و نهادهای اساسی دولت با یکدیگر به بررسی این مؤسسات پرداخته و با تکیه بر آنچه امروزه سیاست های کلی شناخته می شود سخن گفته است. به بیانی واضح تر، او ضمن ربط سیاست های کلی با خراج، نهاد خراج را به عنوان مدخلی در بررسی خود مد نظر قرار داده و سپس دیوان های نظامی، نفقه، بیت المال، رسائل، توقیع، ضرب سکه، مظالم، شرطه، برید و راهها را مورد مطالعه قرار داده است. جغرافیای سیاسی قلمرو اسلامی، سرزمین های آباد و مردم ساکن در آن محتوای منزل ششم را در هفت باب تشکیل می دهد. مؤلف در منزل هفتم، مباحث اقتصاد سیاسی دولت را مطالعه کرده، تمامی منابع مالی دولت و برآورد درآمدهای دولت در دوره خودش را توصیف کرده است. منزل هشتم این کتاب که جزو مجموعه تحقیق شده نبود، به کتاب تحفة الوزراء ثعالبی پیوست شده بود. مؤلف در این منزل به علل شکل گیری جامعه و نیازهای اصلی که موجب پیدایش جوامع سیاسی، پادشاهی و امامت مردم پرداخته و سپس روابط حاکم و رعیت و شرایط و مقرراتی که هر یک از طرفین باید آن را رعایت کنند را مد نظر قرار داده است.

سلمغانی (متوفای ۳۲۲هـ / ۹۳۴م) [مؤلف شماره ۳۲]

ابوجعفر محمد بن علی سلمغانی، معروف به ابن ابی عزافر، متأله و بدعت گذار، در آغاز امامی بود؛ سپس ادعا کرد که خداوند در او حلول کرده است و شریعتی را تأسیس کرد که بر اساس آن

خداوند در هر انسان به اندازه خودش حلول می‌کند. ابن فرات وزیر از او حمایت می‌کرد. علما خون او را هدر دانستند؛ از این رو الرازی بالله عباسی او را به قتل رسانید و جسدش را سوزانید تا پیروانش او را مقدس نشمارند.<sup>۹۱</sup>

۵۳. کتاب الامامة. ۹۲

احمد بلخی (۲۳۵ - ۳۲۲ هـ / ۸۴۹ - ۹۳۴ م) [مؤلف شماره ۳۳]

ابو زید احمد بن سهل بلخی، دانشمندی که در تألیفات خود به روش فلاسفه عمل کرده است، در آغاز آموزگار بچه‌ها بود، اما علم او را به مراتب بالا رسانید.<sup>۹۳</sup>

۵۴. السياسة الصغيرة. ۹۴

۵۵. السياسة الكبيرة. ۹۵

ابوالحسن اشعری (۲۷۰ - ۳۳۰ هـ / ۸۸۳ - ۹۴۲ م) [مؤلف شماره ۳۴]

علی بن اسماعیل بن اسحاق بن سالم، نسبش به ابوموسی اشعری یمانی باز می‌گردد. بصری، متکلم، آشنا با برخی علوم، اشعریان بدو منسوبند. در بصره به دنیا آمد و در بغداد سکونت گزید و در آن‌جا از دنیا رفت.<sup>۹۶</sup>

۵۶. کتاب الامامة. ۹۷

احمد بن عقده کوفی (۲۴۹ - ۳۳۲ هـ / ۸۶۳ - ۹۴۴ م) [مؤلف شماره ۳۵]

احمد بن سعید بن عقده کوفی، از موالی بنی هاشم، محدث و حافظ.<sup>۹۸</sup>

۵۷. کتاب شوری. ۹۹

علی بن جراح (۲۴۵ - ۳۳۴ هـ / ۸۵۹ - ۹۴۶ م) [مؤلف شماره ۳۶]

علی بن عیسی بن داوود بن جراح بغدادی، ادیب، نثر نویس، مفسر، تاریخ نگار، سیاسی، وزیر برای المقتدر بالله خلیفه عباسی، دو یا سه بار متولی وزارت گردید.

۵۸. الكتاب و سياسة المملكة و سير الخلفاء. ۱۰۰

احمد بن دایه (متوفای ۳۳۴ هـ / ۹۴۶ م) [مؤلف شماره ۳۷]

احمد بن یوسف بن ابراهیم بن دایه، از کاتبان و وزیر مصر. کتابی درباره زندگانی احمد بن

طولون نوشته است.<sup>۱۰۱</sup>

۵۹. سياسة الامراء و ولاية الجنود المتضمن لثلاثة عهود: ۱۰۲

به گفته ابن دایه این کتاب چکیده کتاب سیاست افلاطون است؛ اما دکتر عبدالرحمن بدوی تأکید کرده که این کتاب ترجمه نیست، بلکه تألیفی متأثر از اندیشه‌های یونانی است. انگیزه مؤلف از تألیف این کتاب آن بوده که ردیه بر کسانی که به حکمت فارسی تعصب نشان می‌دهند و یونانیان را به کوتاهی در سیاست متهم می‌کنند بنویسد تا ثابت کند در حوزه حکمت سیاسی یونانیان شأنی کمتر از

فارس‌ها ندارند. کتاب به سه عهدنامه می‌پردازد: عهدنامه پادشاه برای پسرش که در آن وظایف و مسؤولیت‌ها و صفات پادشاه را برای پسرش تعریف می‌کند؛ عهدنامه وزیر برای پسرش که ویژگی‌های منصب وزارت، وزیر و نقش و رفتار او در آن طرح شده و عهدنامه عامی برای پسرش که از ویژگی‌ها و مسؤولیت‌های سیاسی شهروندان سخن برآمده است. گویا مؤلف با رویکردی روانی به عناصر روابط سیاسی جامعه پرداخته و بر رفتار سیاسی و فرهنگ سیاسی متمرکز شده است.

ابونصر محمد فارابی (۲۶۰ - ۳۳۹ هـ / ۸۷۴ - ۹۵۰ م) [مؤلف شماره ۳۸]

محمد بن محمد بن اوزلغ بن طرخان فارابی منسوب به فاراب، از شهرهای قزاقستان\* ملقب به معلم دوم، حکیم، ریاضی‌دان، طبیب، موسیقی‌دان، آشنا به زبان ترکی، فارسی، یونانی و سریانی. در فاراب به دنیا آمد، عربی را خوب فرا گرفت، بخشی از دانش خود را از متی بن یونس فرا گرفت، به حران رفت و همنشین یوحنا بن جیلان شد، به مصر رفته و سپس به دمشق بازگشت و در آن اقامت کرد و در همان جا از دنیا رفت. ۱۰۳

۶۰. السياسة: ۱۰۴

هدف مؤلف از تألیف این کتاب، بیان مقررات سیاسی عام المنفعه‌ای است که همه اقشار و طبقات جامعه در رفتارشان با اعضای طبقه خود، طبقات بالا و پایین می‌توانند از آن بهره‌برند، چون هر دسته از اینها سیاستی متفاوت با دسته دیگر دارند. سپس قوای فکری و حیوانی را طرح کرده و آن را به رفتار سیاسی ارتباط می‌دهد. شکل‌گیری جامعه سیاسی، نقش انبیا و بررسی رفتار سیاسی انسان طی مجموعه‌ای از ارزش‌ها مانند عدالت، مشورت، نصیحت و رازداری موضوعات دیگری است که او بدان پرداخته است.

۶۱. السياسة المدنية: ۱۰۵

او در این کتاب سخن خود را با عقل فعال (خداوند) آغاز می‌کند و ضمن اشاره به تفاوت‌های عقلی انسان و حیوان به جوامع مدنی می‌پردازد و آنها را به سه دسته عظمی، وسطی، صغری، تقسیم می‌کند و جایگاه انسان در جامعه را به دو حالت محدود می‌کند: رئیسی که که مرئوس نیست و رئیسی که مرئوس است و حالت اول را در حاکم فیلسوف محصور می‌داند. آن‌گاه فارابی مدینه فاضله و شهرهای غیر فاضله همچون فاسقه، ظالمه، جاهله،... را دسته بندی می‌کند.

۶۲. تحصیل السعادة: ۱۰۶

فارابی در این کتاب به دنبال تأمین سعادت و چگونگی تحقق آن برای امت‌ها و انسان‌هاست. فارابی فضایل را در چهار دسته نظری، خلقی، فکری و عملی تقسیم می‌کند و فضیلت شایسته برای

\* از شهرهای خراسان بزرگ که امروزه جزئی از خاک قزاقستان است - مترجم.



هر دسته را بر می‌شمارد؛ برای مثال فرد نظامی باید از فضایل فکری و بدنی بهره‌مند باشد. او بر نقش شاه در تربیت دسته‌های گوناگون جامعه براساس فضایل شایسته هر دسته تأکید دارد.

۶۳. آراء اهل المدينة الفاضلة: ۱۰۷

کتاب با صفات موجود اول آغاز می‌شود، سپس از نفس انسان، قابلیت‌ها، توان و نحوه شکل‌یابی آن، عوامل شکل‌گیری جوامع بشری، علت نیاز انسان به جامعه، علت ضرورت وجود رئیس، ویژگی مدینه فاضله و مدینه‌های رویاروی آن، فنون و صنایع مورد نیاز این مدینه، دیدگاه‌های ساکنان مدینه جاهله و فاسقه سخن به میان می‌آید. بنا به نظر فارابی، جوامع انسانی به دو گروه کامل و ناقص تقسیم می‌شوند. جوامع تکامل یافته خود سه دسته‌اند: بزرگ، متوسط و کوچک که او از آنها به معموره، امت و مدینه یاد می‌کند. او در بحث جوامع ناقص از روستا، محله، کوچه و خیابان و خانه نام می‌برد. او بر این ایده است که برترین نیکی‌ها در مدینه یا جوامع تکامل یافته کوچک به دست می‌آید و نه در سطوح پایین‌تر.

ابوبکر محمد بن عبدالله برذعی (متوفای ۳۴۰ هـ / ۹۵۱ م) [مؤلف شماره ۳۹]

در یکی از توابع آذربایجان به دنیا آمد و جزو خوارج بود. ۱۰۸

۶۴. کتاب الامامة. ۱۰۹

۶۵. نقض کتاب ابن راوندی فی الامامة. ۱۱۰

محمد غلام ثعلب (۲۶۱ - ۳۴۵ هـ / ۸۷۵ - ۹۵۶ م) [مؤلف شماره ۴۰]

محمد بن عبدالواحد بن هشام بغدادی، زاهد، معروف به غلام ثعلب، لغوی و متوفای بغداد. ۱۱۱

۶۶. کتاب الشوری. ۱۱۲

اخوان الصفا و خالان الوفا (سده ۴ هـ / ۱۰۹ م)

آنان مجموعه‌ای بودند که در سده چهارم هجری در بصره شکل گرفتند و شاخه‌ای از آنان در بغداد قرار داشت. اخوان الصفا کاملاً شناسایی نشده‌اند و تنها پنج نفر از آنان شناخته شده‌اند که هنوز ابهامات و تردیدهای فراوانی در مورد آنان وجود داد که عبارتند از: ابوسلیمان محمد بن نصر بستی معروف به مقدسی، ابوالحسن علی بن هارون زنجانی، ابواحمد نهرجوری، عوضی و زید بن رفاعه. اعضای این تشکل در چهار رتبه قرار می‌گرفتند. در مرتبه اول جوانان بیش از پانزده سال سن قرار می‌گرفتند که حرفه و صنعت خاصی را دنبال می‌کردند. به این سه دسته الاخوان الابرار گفته می‌شده؛ در مرتبه بعد رؤسا و مدیرانی قرار می‌گرفتند که حداقل سی سال داشته باشند و حکمت و عقل آنها پذیرفته شده باشد. به این دسته الاخيار الفضلاء گفته می‌شد؛ در مرتبه سوم شاهان صاحب سلطنت قرار می‌گرفتند که چهل سال تمام داشته باشند و به عنوان کسانی که جهت حفظ قوانین الهی می‌کوشند شناخته شده باشند و الاخوان الفضلاء الکرام خوانده می‌شوند؛ در مرتبه چهارم برگزیدگانی

بودند که حداقل پنجاه سال داشته باشند... ۱۱۳

۶۷. سرالاسوار لتأسيس السياسة و ترتيب الرئاسة. ۱۱۴

این کتاب به موضوعاتی چون انواع شاهان، رفتار و منش شاهانه، سیمای عدالت، تعداد وزرا، روش مدیریت و سیاست آنان، سفرا، کاتبان، ناظران مردم، خراج، اداره فرماندهان و سربازان و جنگ‌ها پرداخته است.

ابوالقاسم بغدادی (متوفای ۳۴۵هـ / ۹۵۶م) [مؤلف شماره ۴۲]

عبید الله بن احمد بن عبیدالله بن حسین بن حسن بن فیروز کلوذانی، از فضلا و دیواندار دیوان سواد. ۱۱۵

۶۸. الخراج. ۱۱۶

این کتاب دو بار و در سال‌های ۳۲۶ و ۳۳۶هـ به نگارش درآمد است.

محمد کندی (۲۸۳ - ۳۵۰هـ / ۸۹۷ - ۹۶۱م) [مؤلف شماره ۴۳]

محمد بن یوسف بن یعقوب کندی تجیبی، تاریخ‌نگار، نسب شناس، محدث، متولد مصر و متوفای در شهر فسطاط مصر. ۱۱۷

۶۹. کتاب الولاية والقضاة. ۱۱۸

عبدالعزیز بن حاجب نعمان (متوفای ۳۵۱هـ / ۹۶۲م) [مؤلف شماره ۴۴]

عبدالعزیز بن ابراهیم بن حاجب النعمان، کاتب دیوانی، متولی دیوان سواد در روزگار معزالدوله. ۱۱۹

۱۲۰. انس ذوی الفضل فی الولاية والعزل.

علی فزّاء (متوفای ۳۵۲هـ / ۹۶۳م) [مؤلف شماره ۴۵]

علی بن حسین بن علی العیسی فزّاء، مورخ مصری و فقیه مذهب مالکی. ۱۲۱

۷۱. محاسن الملوك. ۱۲۲

ابراهیم قلانسی (متوفای ۳۵۹هـ / ۹۷۰م) [مؤلف شماره ۴۶]

ابراهیم بن عبدالله معروف به قلانسی زبیدی، فقیه و آشنا با علم کلام. ۱۲۳

۷۲. الامامة. ۱۲۴

محمد قمی (متوفای ۳۶۸هـ / ۹۷۸م) [مؤلف شماره ۴۷]

محمد بن احمد بن داوود بن علی قمی، فقیه، محدث و از بزرگان قم. ۱۲۵

۷۳. الرسالة فی عمل السلطان. ۱۲۶

اسحاق بن شریح (۳۰۰ - ۳۷۷هـ / ۹۱۳ - ۹۹۲م) [مؤلف شماره ۴۸]

اسحاق بن یحیی بن شریح، نصرانی، معروف به ابن زرقاله، شناخت زیادی از امور دیوانی و نظارت بر کارکنان داشت. ۱۲۷

۷۴. الخراج: ۱۲۸.

این کتاب در دو جلد تدوین شده است. ۱۲۹.

ابن بابویه قمی (۳۰۶ - ۳۸۱ هـ / ۹۱۸ - ۹۹۱ م) [مؤلف شماره ۴۹]

محمد بن علی بن حسین بن موسی بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، محدث، از بزرگان امامیه، صاحب کتاب من لایحضره الفقیه که زیر بنای اندیشه ولایت فقیه [امام] خمینی است، و از نوادر در میان قمیان است، در ری سکونت گزید و در خراسان جایگاه بلندی به دست آورد. در ری دفن شد. حدود سیصد اثر از خود بر جای نهاده است. ۱۳۰.

۱۳۱. الامامة والتبصرة من الخيرة. ۱۳۱.

۷۶. السلطان. ۱۳۲.

۷۷. کتاب الشوری. ۱۳۳.

صاحب بن عباد (۳۲۶ - ۳۸۵ هـ / ۹۳۷ - ۹۹۵ م) [مؤلف شماره ۵۰]

اسماعیل بن عباد بن عباس بن عباد بن احمد بن ادريس طالقانی معروف به صاحب، نویسنده، ادیب، سیاسی، آشنا با بسیاری از علوم، متولد اصطخر. گفته شده در طالقان به دنیا آمده، متولی وزارت برای مؤید الدوله بن بویه بن رکن الدوله، متوفای ری. ۱۳۴.

۷۸. کتاب الوزاره. ۱۳۵.

۷۹. کتاب الامامة. ۱۳۶.

## پی‌نوشت‌ها

۱. متن مورد نظر توسط محمد عبده با عنوان مقتبس السياسة و سياح الرئاسة و نیز توسط توفیق الفکیکی با عنوان الراعی و الرعی: المثل الاعلی للحکم الیمقراتی فی الاسلام شرح عهد الامام علی الی الاشر النخعی حین ولاء مصر در چاپخانه اسعد بغداد در ۱۹۶۲ م. به چاپ رسیده است.
۲. زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.
۳. نسخه‌ای خطی در کتابخانه الوطنیه در تونس: بخش‌های مربوط به تعریف علم سیاست در مجله الفکر العربی بیروت، (ش ۲۳، نوامبر و اکتبر ۱۹۸۱ م) به چاپ رسیده است.
۴. منتشر شده به همراه کتاب عبدالرزاق الحصان، نظرة عابرة فی شمالی العراق (بغداد: ۱۹۴۰ م، ص ۱۰۴ - ۱۳۴).
۵. بغدادی، ایضاح المکتون، ج ۲، ص ۶۵۴.
۶. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۵۶.
۷. تحقیق و چاپ از محمد کردعلی (قاهره: ۱۹۴۵ م). احمد رفعت البداوی نیز آن را در ۵۵ صفحه همراه با مقدمه شکیب ارسلان (بیروت: دارالنجاح، بی تا) به چاپ رسانده است.
۸. ضمن کتاب حسن صعب، علم السیاسة (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۷۷ م) و نیز همراه با رسائل البلغاء، گزیده و دسته‌بندی محمد کردعلی (قاهره: لجنة التالیف و الترجمة و النشر، ۱۹۵۴ م).
۹. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۶۷-۶۸.
۱۰. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۵۰: بغدادی، هدیة العارفین، ج ۲، ص ۸.
۱۱. ابن ندیم، پیشین، ص ۲۵۰: بغدادی، هدیة العارفین، ج ۲، ص ۸.
۱۲. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۴۰.
۱۳. چاپ قاهره، چاپخانه السلفیه، ۱۳۵۲ ق. ۲۱۷ ص. عبدالعزیز محمد الرحبی متوفای ۱۱۸۴ هـ / ۱۷۷۰ م. شرحی بر این کتاب تحت عنوان فته الملوک و مفتاح الرتاج، شرح کتاب الخراج، (تحقیق و چاپ احمد الکیسی) نگاشت. بغداد: دیوان الاوقاف، ۱۹۷۳ م).
۱۴. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۴۸.
۱۵. بغدادی، ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۴۸: همو، هدیة العارفین، ج ۲، ص ۵۰۷.
۱۶. همو، هدیة العارفین، ج ۲، ص ۵۰۷.

۱۷. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.
۱۸. منتشر شده به وسیله جونیبول (لیدن: ۱۸۹۶م) و نیز با تحقیق حسین مونس (قاهره: دارالشروق، چاپ اول، ۱۹۸۷م، ۱۳۴ص).
۱۹. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۵، ص ۳۵.
۲۰. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۷۱۱.
۲۱. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۴، ص ۲۸۶.
۲۲. ابن ندیم در الفهرست، جاحظ در البیان و التبيين، ر.ک: بروکلیمان، پیشین، ج ۳، ص ۳۴ - ۳۵.
۲۳. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۶، ص ۱۸۷.
۲۴. نسخه خطی واقع در استانبول مکتبه احمد الثالث به شماره ۱۱۱۶ در ۸۷ ورق، و نیز مکتبه نور عثمانیه به شماره ۱/۲۵۹۸ در ۱۰۱ ورق و نیز دانشگاه امریکایی بیروت به شماره Mic - A - 316.
۲۵. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۶۲۳؛ عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۶، ص ۱۸۷.
۲۶. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۹.
۲۷. حسین مونس، اطلس تاریخ اسلام، ص ۲۳۲.
۲۸. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۲؛ ابن ندیم، پیشین، ص ۱۶۹؛ بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۸۲۵. در دارالکتب المصریه نسخه‌ای به شماره ۱۳۸۶ طلعت، ۸۷ صفحه، ۱۷۶۱ ادب، ۴۴ ق وجود دارد که مؤلف آن نامعلوم است. احتمال می‌رود این نسخه همان کتاب باشد، چون براساس بررسی‌های به عمل آمده عنوان مشابهی از دیگر مولفان وجود ندارد.
۲۹. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.
۳۰. تحقیق و بررسی حامد عبدالله ربیع (قاهره: دارالشعب، ۱۹۸۳م). نیز با تحقیق ناجی تکریتی (بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه، ۱۹۸۷م). چاپ شده بدون تحقیق در قاهره، ۱۲۸۶ ق.
۳۱. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۴، ص ۳۸.
۳۲. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۷۲؛ عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۴، ص ۳۸.
۳۳. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۷، ص ۲۴۷؛ زرکلی، پیشین، ج ۵، ص ۲۵ - ۲۶.
۳۴. نسخه خطی در دارالکتب الوطنیه للمخطوطات در تونس به شماره ۲۰۲۹، فهرست استاد حسن حسنی عبدالوهاب.
۳۵. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۴۴.
۳۶. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۲، ص ۵۳۷ - ۵۴۴.
۳۷. همان.
۳۸. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۸، ص ۷.
۳۹. تحقیق و نشر احمد زکی (قاهره: مطبعه الامیریه، ۱۹۱۴م). همچنین تحقیق فوزی عطوی (بیروت: الشركة اللبنانیه للکتاب، ۱۹۰۷م).

۴۰. تحقیق عبدالسلام هارون (قاهره: دارالکتاب العربی، ۱۹۵۵هـ). نیز تحقیق حسن السندوبی و منتشر شده ضمن رسائل جاحظ (قاهره: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۹۳۳م، ۲۸۰ص).
۴۱. عبدالسلام هارون به صورت پیوستی به رسائل جاحظ اشاره شده و آن را به چاپ رسانیده که شصت صفحه است.
۴۲. زرکلی، پیشین، ج ۶ ص ۲۲۱؛ عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۰.
۴۳. نسخه خطی واقع در مجمع علمی عراقی به شماره ۳/ عقاید، مذاهب، فرق، ردود.
۴۴. زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۱.
۴۵. تحقیق حسن السندوبی و منتشر شده ضمن رسائل جاحظ (قاهره: مكتبة التجارية الكبرى، ۱۹۳۳م) ۳۱۰ ص. نیز تحقیق عبدالسلام هارون طی دو رساله به نام‌های استحقاق الامامة و الجوابات فی استحقاق الامامة، ضمن رسائل جاحظ چاپ شده (قاهره: الخانجی، ۱۹۷۹م) جزء چهارم.
۴۶. تحقیق عبدالسلام هارون، ضمن رسائل جاحظ (قاهره: الخانجی، ۱۹۶۵م، ۵۰ص) جزء دوم.
۴۷. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۳۳۴۵، ۵۶۹۰، ۴۷۹۷ ادب و میکرو فیلم شماره ۱۷۷۰ گرفته شده از کتابخانه کوبریلی در ترکیه، ۴۳۸ نگاتیو؛ نیز در معهد المخطوطات العربیه در قاهره به شماره ۶۴۰؛ نیز در مدرسه عبدالرحمن الصائفی در موصل عراق شماره ۱۰۶۵ هـ.
۴۸. نسخه خطی در ایاصوفیه ترکیه به شماره ۲۸۲۸؛ بروکلیمان، پیشین، ص ۱۱۵.
۴۹. چاپ شده ضمن رسائل جاحظ، تحقیق سندوبی، شماره ۱۸۳ و بروکلیمان، پیشین، ص ۱۲۴.
۵۰. نسخه خطی در موزه بریتانیا به شماره ۹۴۶ - OR، بروکلیمان، پیشین، ص ۱۲۷.
۵۱. چاپ شده ضمن رسائل با جاحظ تحقیق السندوبی، شماره ۱۱۵ و بروکلیمان، پیشین، ص ۱۲۴.
۵۲. چاپ شده ضمن رسائل جاحظ، مجموعه محمد ساسی المغربی، ص ۱۵۵ - ۱۶۰؛ مجموعه ریشر، ص ۱۸۶ - ۱۸۸؛ الخزانة التیموریة، ص ۳۷۶ - ۳۷۹؛ موزه بریتانیایی ۶۵ و ۲۸۶ و چاپ شده در حاشیه‌الکامل مبرد، ص ۱۲۶ - ۲۵۱.
۵۳. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۹، ص ۲۴۰.
۵۴. کحاله، همان؛ بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۱۷؛ بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۷۲.
۵۵. کحاله، پیشین، ج ۷، ص ۶۸.
۵۶. همان.
۵۷. ابن ندیم، پیشین، ص ۹۴؛ زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۵.
۵۸. بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۵۱؛ ابن ندیم، پیشین، ص ۹۴؛ زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۵؛ زرکلی از ابن خلکان نقل کرده که کتابش مشهور است، اما از مؤلف خبری در دست ندارم و تنها برای کتابش به او اشاره کرده‌ام.
۵۹. مقدمه کتاب عیون الاخبار ابن قتیبه (قاهره: سلسله تراثنا، ۱۹۶۳م).
۶۰. چاپ شده در مجلد اول عیون الاخبار (قاهره: المؤسسة المصریه العامه للتألیف و النشر، سلسله تراثنا، ۱۹۶۳م) ص ۱۰۶؛ به صورت مستقل به کوشش محمدابراهیم آدم‌الکتبی به چاپ رسیده است (مصر: ۱۳۲۴هـ ق/ ۱۹۰۷م).

۶۱. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷.
۶۲. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.
۶۳. همان.
۶۴. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۱، ص ۹۵.
۶۵. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۷۲؛ زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۶۰.
۶۶. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۰۶؛ زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۶۰.
۶۷. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۵.
۶۸. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۶۶۵، عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۵.
۶۹. حاجی خلیفه، پیشین.
۷۰. همان.
۷۱. بروکلیمان، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۶.
۷۲. نسخه‌ای خطی در موزه بریتانیا به شماره ۲۰۶، E 57,II,III, XI، ر.ک: پیشین، ج ۳، ص ۳۲۶.
۷۳. نسخه‌ای خطی در موزه بریتانیا به شماره ۲۰۶، XXXIII, XVI, ۱۲۳، III ۲۳۶، امبروزیانا، ر.ک: بروکلیمان، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۶.
۷۴. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۰.
۷۵. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۶۴۵؛ ابن ندیم، پیشین، ص ۱۷۰، حاجی خلیفه، پیشین، ص ۱۴۴۱. حاجی خلیفه از این کتاب با عنوان کتاب الرئاسه فی السیاسه یاد کرده است.
۷۶. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۶، ص ۱۱۱.
۷۷. به کوشش وان اس (Van ESS) - (بیروت: المعهد العالمی للابحاث الشرقیه، ۱۹۷۱ م).
۷۸. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۳، ص ۲۵۲.
۷۹. همان.
۸۰. نسخه‌ای خطی در موزه بریتانیا، پیوست ۴۱۳، نسخه‌های شرقی به شماره ۳/۳۸۰۴، ورق‌های ۲۸۵-۲۹۲؛ ر.ک: فؤاد سرگین، مجلد نخست، جزء اول، ص ۳۴۲.
۸۱. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۳.
۸۲. نسخه خطی در کتابخانه فیض الله در استانبول به شماره ۱۱۷۲. نام مؤلف حذف شده اما در پایان کتاب نوشته شده که به خط محمد واسطی. بغدادی در هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۵ و نیز حاجی خلیفه در پیشین، ص ۱۳۹۸ همین گونه از او یاد کرده‌اند.
۸۳. عمر رضا کجالی، پیشین، ج ۴، ص ۶۳-۶۴.
۸۴. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۸۵. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۷، ص ۶۸.
۸۶. ابن نديم، پيشين، ص ۱۹۵؛ بغدادی، هدية العارفين، ج ۱، ص ۶۸۰.
۸۷. ابن نديم، همان؛ بغدادی، هدية العارفين، ج ۱، ص ۵۷.
۸۸. ابن نديم، همان؛ بغدادی، هدية العارفين، همان.
۸۹. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۳، ص ۱۴۲.
۹۰. تحقيق محمد حسين زبيدي (بغداد، الرشيد، ۱۹۸۱ م، ص ۴۶۵).
۹۱. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۱۱، ص ۶۶؛ زرکلی، پيشين، ج ۶، ص ۲۷۳.
۹۲. بغدادی، ايضاح المكون، ج ۲، ص ۲۷۲؛ همو، هدية العارفين، ج ۲، ص ۳۳.
۹۳. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۱، ص ۲۴۰.
۹۴. بغدادی، هدية العارفين، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن نديم، پيشين، ص ۱۹۸.
۹۵. بغدادی، هدية العارفين، همان؛ ابن نديم، همان.
۹۶. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۷، ص ۳۵.
۹۷. بغدادی، ايضاح المكون، ج ۲، ص ۲۷۲؛ همو، هدية العارفين، ج ۱، ص ۶۷۷.
۹۸. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۲، ص ۱۰۶.
۹۹. بغدادی، هدية العارفين، ج ۱، ص ۶۰؛ بغدادی، ايضاح المكون، ج ۲، ص ۳۶.
۱۰۰. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۷، ص ۱۶۲.
۱۰۱. بغدادی، هدية العارفين، ج ۱، ص ۶۷۸.
۱۰۲. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۲، ص ۲۰۷.
۱۰۳. تحقيق عمر المالكي تحت عنوان الفلسفة السياسية عند العرب (الجزائر: الشركة الوطنية للنشر، ۱۹۷۱ م). نسخ ديگری از اين كتاب وجود دارد كه به مؤلفان ديگری منتسب است؛ از جمله نسخه اسكوريان در اسپانيا به شماره ۷۱۹ تحت عنوان كتاب في سياسة الامراء و ولاية الجنود المتضمن لثلاثة عهود از ابراهيم بن عبدالواحد بن ابي النور كه به درخواست مؤيد بنصرالله اميرالمؤمنين ابي يحيى بن ابي بكر حاكم افريقا - به مركزيت تونس در ۷۱۸-۵۷۴۷ / ۱۳۱۸-۱۳۴۶ م - در ۸۲ صفحه.
۱۰۴. عمر رضا كجاليه، پيشين، ج ۱۱، ص ۱۹۴.
۱۰۵. تحقيق فؤاد عبدالمنعم احمد و منتشر شده ضمن مجموع في السياسة (اسكندرية: مؤسسة شباب الجامعة، ۱۹۸۲ م)؛ پيش از او، لويس شيخو به تحقيق و نشر آن اقدام كرد (بيروت: ۱۹۱۱ م، ۲۸ ص).
۱۰۶. چاپ شده همراه بار سائل فارابی (حيدرآباد هند: مطبوعات دائرة المعارف عثمانيه، ۱۹۲۶ م)، ۷۷ ص، با عنوان السياسات المدينة؛ نيز تحقيق فوزي نجار (بيروت: مطبعة الكاتوليكية، ۱۹۶۴ م).
۱۰۷. چاپ شده ضمن رسائل فارابی (حيدرآباد هند: مطبوعات دارالمعارف العثمانيه، ۱۹۶۲ م، ۴۷ ص).
۱۰۸. با تحقيق البير نصرى نادر (بيروت: مطبعة الكاتوليكية، ۱۹۵۹ م، ۱۳۰ ص).



۱۰۹. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۲، صص ۴۰-۴۱.
۱۱۰. همان.
۱۱۱. همان.
۱۱۲. عمررضا کحاله، پیشین، ج ۱۰، صص ۲۶۶-۲۶۷.
۱۱۳. حاجی خلیفه، پیشین، ص ۱۴۳؛ بغدادی، هدیه العارفين، ج ۲، ص ۴۲.
۱۱۴. پطرس البستانی، مقدمة رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا (بیروت: دارصادر، ۱۹۵۷م).
۱۱۵. تحقیق احمد التریکی (بیروت: دارالکلمه، چاپ اول، ۱۹۸۳م). از این کتاب نسخی خطی وجود دارند که به ارسطو منسوبند، از جمله نسخه کتابخانه رفاعة طهطاوی در سوهاج مصر به شماره ۱۶۷ تاریخ، نسخه موجود در کتابخانه دانشگاه امریکایی بیروت (Mic - A - 331) و نسخه خطی موجود در پاریس به خط محمدبن حاج صالح مرعشی متوفای ۹۶۸ق. دکتر تریکی معتقد به وجود رساله‌های در علوم شرعی برای اخوان الصفاست که همان پنجاهمین رساله آنان باشد که در آن به اداره و سیاست و انواع آن پرداخته‌اند و از سیاست و اداره انسان بر خود، جسم، دوستان و... سخن می‌گویند.
۱۱۶. حاجی خلیفه، پیشین، ص ۶۴۶.
۱۱۷. همان.
۱۱۸. عمررضا کحاله، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۴۲.
۱۱۹. به کوشش رفن کست (لیدن: ۱۹۱۲م). همچنین چاپ بیروت: مکتبه الیسوعیین و نیز چاپ افست (بغداد: مکتبه المثنی، ۱۹۶۴م).
۱۲۰. عمررضا کحاله، پیشین، ج ۵، صص ۲۳۹-۲۴۰.
۱۲۱. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۵۷۷؛ عمررضا کحاله، پیشین، ج ۵، ص ۲۳۹.
۱۲۲. عمررضا کحاله، پیشین، ج ۷، ص ۷۶.
۱۲۳. نسخه خطی در دارالکتب المصریّه به شماره ۴۷۸۶ ادب طلعت در ۵۴ قطعه.
۱۲۴. عمررضا کحاله، پیشین، ج ۱، ص ۵۴.
۱۲۵. همان.
۱۲۶. همان، ج ۸، ص ۳۵۹.
۱۲۷. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۲، ص ۴۸؛ زرکلی، پیشین، ج ۵، ص ۳۱۲.
۱۲۸. عمررضا کحاله، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۹.
۱۲۹. ابن ندیم، پیشین، ص ۱۹۵؛ بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۲۰۰.
۱۳۰. زرکلی، پیشین، ج ۶، ص ۲۷۴؛ کحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۳.
۱۳۱. چاپ بیروت: دارالمرتمی، ۱۹۸۵م.
۱۳۲. بغدادی، هدیه العارفين، ج ۲، صص ۵۲-۵۳؛ همو، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۰۳.

---

۱۳۳. همان.

۱۳۴. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۴.

۱۳۵. ابن ندیم، پیشین، ص ۱۹۴؛ عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۴.

۱۳۶. نسخه خطی در مکتبه البلدية شهر اسکندریه مصر به شماره ۳۸۴۳ ج؛ نسخه میکروفیلم آن در معهد المخطوطات

العربية در قاهره وجود دارد. ابن ندیم در الفهرست (ص ۱۹۴) به آن اشاره کرده است.